

صرف - حجت و نظری

مخصوص

کلاس پنجم و ششم دبستانها

مطابق پروگرام وزارت معارف

تألیف آقای آقا سید محمد حجت
فتح الله کرمی



کتابخانه نظری

۱۳۱۴

مطبعة

۱۴۱۰

تَلْخِصُ الصَّرَفِ

يَا صَرَفُ جَعَلْتُ

برای شاگردان کلاس پنجم و ششم دبستانها

و کلاس اول متوسطه نئون

۲۴۰۴۶۸

مُوافِقِ

دستور و زارن جلیله معارف



تَالِيفِ

جناب مستطاب آقای آقا سید محمد محمد حجج کوفانی

چاپِ کَهِمُ

۱۵

حق طبع محفوظ

۱۳

کتابخانه مظفری

ناصریه

محل فروش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درس اول

اقسام کلمات

- ۱- کلمه لفظی است که دلالت کند بر یک معنی
محمد نام کسی است ضَرْب زد - عَلِيٌّ
- ۲- کلمه بر سه قسم است: اسم - فعل - حرف
- ۳- اسم آنست که نام چیزی باشد مثل رجل مرد
عصفور کبشک تقاحه سبب
- ۴- فعل آنست که دلالت کند بر کردن کاری در یک آن
سه زمان ماضی گذشته مستقبل اینده

حال اکنون مانند ضَرْب زد یَضْرِبُ بمنزله ضَرْب

بزن ۵- حرف آنست که نه دلالت بر نام چیزی کند و نه

بر کردن کاری مثل عَلِيٌّ بر فی در لفظه

درس دوم - بناهای فعل

۱- فعل اِجْهَار بنا است - ثلاثی مجرد - ثلاثی مزید

فیه - رباعی مجرد - رباعی مزید فیه

۲- فعل ثلاثی مجرد آنست که سه حرف اصلی داشته

باشد و حرف زاید در آن نباشد مثل ضَرْب

۳- فعل ثلاثی مزید فیه آنست که در آن سه حرف اصلی باشد

و حرف زاید هم داشته باشد مثل اَکْرَم که اصلش کَرَّمَ

۴- فعل رباعی مجرد آنست که چهار حرف اصلی داشته

باشد و در آن حرف زائده نباشد مانند رَجَحَ فَرَسٌ

۵- فعل رباعی مزید فیه آنست که در آن چهار حرف اصلی

باشد و حرف زائده هم داشته باشد مثل اَجْرَ نَحْمٍ از محارک

که اصلش حرجم است

درس سیم - حروف اصلی زائده

۱- بواسطه - فاء - وعین - ولام (فعل) حروف اصلی
فعل را از حروف زائده تمیز میدهند - هر حرف که مقابل
فاو عین و لام باشد اصل است حرفی که مقابل اینها باشد
زائده است مثلاً عَلِمَ بر وزن فَعَلَ عین مقابل فاء و لام
مقابل عین هم مقابل لام - همه حروفش اصل است بواسطه
اینکه مقابل فعل است و چون سه حرف دارد آنرا ثلاثی
مجرد گوئیم و اگر بر وزن فَعَلَ چون هَمَزَةُ آن مقابل
باف و ع و ل نیست زائده است و ك که مقابل
باف و ر که مقابل است باع و م که مقابل است بال

سؤالات (۱) فعل را چند بناسب ۲ - ثلاثی مجرد کدام
مثل چه ۳ - ثلاثی مزید چه چیست؟ مانند چه ۴ فعل را با
مجرد کدام است؟ مثل چه ۵ - رباعی مزید چه کدام است مثلاً

اصلی است و چون سه حرف اصلی بیشتر ندارد و
حرف زائده هم دارد آنرا ثلاثی مزید میگویند نامند

۲ - و در چهار حرفی بواسطه فعل را میتوان حروف

از حروف زائده معین نمود چنانچه در (۱) - (۳) گفته

شد مثل دَحْرَجَ بر وزن فَعَلَ چون چهار حرف آن مقابل

باف عَلِمَ حرف زائده ندارد آنرا رباعی مجرد گوئیم و در دَحْرَجَ

که بر وزن فَعَلَ است چون ثناء مقابل ف و ع و د

لام نیست زائده میباشد و چون چهار حرف اصلی و

تمیز بین وَل اسم و فعل و حرف کلماتی قبل را معین نماید

مُحَمَّدٌ - بِضَوْبٍ - ضَرَبَ زِدَ - عَلِيٌّ - لِإِبْرَاهِيمَ هَرَابَةٌ

لَنْ هَرَكْتَهُ عِلْمٌ - بَيْضٌ يَارِي مَكْنَدٌ يَوْسُفٌ بَاقِرٌ

صَادِقٌ حَسَنٌ لَانَهُ اِلَى تَا هَلْ اَيَا

تَمَرٌ بَيْنَ دُمُيْ ثَلَاثِيٌّ مَجْرَدٌ وَثَلَاثِيٌّ مَزِيدٌ وَرَبَاعِيٌّ مَجْرَدٌ

وَرَبَاعِيٌّ مَزِيدٌ فِعَالٌ بِلَا مَعْيُنٍ نَابِئٌ نَصْرٌ - ضَرَبَ زِدَ حُجَّاجٌ

لحمر - قد خرج بحرف زائده دارذ انوار باء ح زید فیه فاعند
 ۳- حرفیکه مقابل فاء است فاء الفعل وحرفیکه مقابل
 عین است عین الفعل وحرفیکه مقابل لام است لام الفعل
 کویند و اگر در کلمه دو لام باشد اول و لام اول و دوم
 لام ثانی کویند مثل فَعَلَ برون فعل فاعله الفعل
 ث عین الفعل لام الفعل وقسعر برون
 فَعَلَلْ فاء الفعل ث عین الفعل عین لام الفعل
 اول و لام الفعل ثانی

۴- بهمین ترتیب حروف فاعله وحروف زائده اسم
 نیز میشود از معین نمودنها پانزده اسم ممکن است از ای
 بیج حروف فاعله باشد در این صورت لام الفعل را دو
 مکرر کنند مثل سَفَرَجَلْ برون فَعَلَلْ

سؤالان

۱- حروف فاعله از حروف زائده بواسطه چه معین

درس چهارم - بابهای افعال ثلاثه مجرد

فعل ثلاثه مجرد را شش بابست باین ترتیب

باب اول

نَصَرَ نَصْرًا
 نَصَرْتُكَ

فَعَلَ فَعْلًا

باب دوم

ضَرَبَ ضَرْبًا
 ضَرَبْتُكَ

فَعَلَ فَعْلًا

باب سوم

فَتَحَ فَتْحًا
 فَتَحْتُكَ

فَعَلَ فَعْلًا

باب چهارم

عَلَّمَ عَلَمًا
 عَلَّمْتُكَ

فَعَلَ فَعْلًا

باب پنجم

حَبَسَ حَبْصًا
 حَبَسْتُكَ

فَعَلَ فَعْلًا

باب ششم

شَرَفَ شَرْفًا
 شَرَفْتُكَ

فَعَلَ فَعْلًا

۱- باب اول عین الفعل ماضی مفتوح و عین الفعل مضارع مفتوح
 باب دوم عین الفعل ماضی مفتوح و عین الفعل مضارع مفتوح
 باب سوم عین الفعل ماضی مضارع هرب و مفتوح است
 باب چهارم عین الفعل ماضی مکسور و مضارع مفتوح است
 باب پنجم عین الفعل ماضی مضارع هرب و مکسور است
 باب ششم عین الفعل ماضی مضارع هرب و مضارع مفتوح
 در این پنج بابها افعال ثلاثی مزید
 فعل ثلاثی مزید فیه زاد و ازده باب است

باب افعال

سؤال اول متعلق بصفحه ششم

حرفیکه مقابل فاء است چه میگویند؟ حرف مقابل عین است
 حرف مقابل لام را چه میگویند؟ اگر کلمه چهار حرفی اصلی باشد
 باشد حرف آخر را مقابل چه قرار میدهند
 حرف زائده کلمات بدل را معین نمایند اگر هم ندعرج نطق

ماضی مضارع مصدر ماضی مضارع مصدر
 افعَل یَفْعِلُ افعالا اخرج مخرج اخرج احراجا
 باب تفعیل

فَعَلَ یَفْعِلُ تَفْعِلاً صَرَفَ یَصْرِفُ تَصْرِیفًا
 باب مفاعله

فَاعَلَ یَفَاعِلُ مفاعله فاعل یفعل فاعلا
 در ماضی این سه باب یک حرف الله است

باب تفعّل

تَفَعَّلَ یَتَفَعَّلُ تَفَعُّلاً تَصَرَّفَ یَتَصَرَّفُ تَصَرُّفاً
 باب تفاعل

تَفَاعَلَ یَتَفَاعَلُ تفاعلا تَضاربَ یَتَضَارَبُ تَضاربا
 باب انفعال

اَفْعَلَ یَفْعِلُ افعالا اکتب یکتب اکتبا
 باب انفعال

فعل مضارع مصدر
انْفَعَلَ يَنْفَعُلُ انْفَعَالًا
انْصَرَفَ يَنْصَرِفُ انْصِرَافًا

بابِ افْعَال

افْعَلْ يَفْعُلُ افْعِلًا اِحْمَرْ يَحْمَرُ اِحْمِرًا

در مضاعف هر یک از این پنج باب و حرز آنهاست

دَرْسِ ششم (۹) بابِ اسْتِفْعَال

اسْتَفْعَلَ يَسْتَفْعِلُ اسْتِفْعَالًا اسْتَخْرَجَ يَسْتَخْرِجُ اسْتِخْرَاجًا

بابِ افْعِلَال

افْعَالْ يَفْعَالُ افْعِلَالًا اِحْمَارْ يَحْمَارُ اِحْمِرَالًا

بابِ افْعِيعَال

افْعَوْعَلَ يَفْعَوْعِلُ افْعِيعَالًا اعْشَوْشَبَ يَعْشَوْشِبُ اعْشِيشَانًا

بابِ افْعِوَال

افْعَوَّلَ يَفْعَوِّلُ افْعِوَالًا اَجْلَوَّدَ يَجْلُوْدُ اَجْلُوَادًا

در مضاعف هر یک از این چهار باب سه حرف آمده است

سؤالان (۱) فعل ثلاثی مجرد را چند باب است؟ فعل ثلاثی مزید چند باب است؟
فعل ثقیل از کدام باب است؟ متعاعل از کدام باب است؟ سوال کدام باب است؟

دَرْسِ هفتم - بابهای باعی مجرد و باعی مزید

فعل رباعی مجرد را یک باب است

بابِ فَعَّلَانِ

فَعَّلْ يَفْعَلُّ فَعْلَلًا دَخَرَ يَدْخُرُ دَخْرًا

فعل رباعی مزید فیه را سه باب است

بابِ تَفَعَّل

تَفَعَّلَ يَتَفَعَّلُ تَفَعَّلًا تَدَخَّرَ يَتَدَخَّرُ تَدَخُّرًا

در مضاعف این باب یک حرف آمده است

بابِ افْعِلَال

افْعَلْ يَفْعِلُّ افْعِلَالًا اِحْرَمَ يَحْرِمُ اِحْرِمَالًا

بابِ افْعِلَال

افْعَلْ يَفْعِلُّ افْعِلَالًا اقْشَعَرَ يَقْشَعُرُ اقْشِعْرَالًا

در مضاعف هر یک از این دو باب و حرز آنهاست

سؤالان (۲) افعال رباعی مجرد را چند باب است؟ فعل رباعی مزید چند باب است؟
دخرج چه فعل است؟ تدخرج از چه باب است؟ اقشعر از چه باب است؟

تبصره در آخر همزه زاید است **تَبَصَّرَ** تَكَرَّرَ عَنِ الْفَعْلِ
در قائل الف در نصرف تاء و تَكَرَّرَ عَنِ الْفَعْلِ در نضار
تاء و الف در اكشِب همزه و تاء در انصر همزه و نون در
احمر همزه و تَكَرَّرَ لَمْ الْفَعْلِ در استخرج همزه و سین و تاء
در اجمار همزه و الف و تَكَرَّرَ لَمْ الْفَعْلِ در اعشوشب همزه و واو
و تَكَرَّرَ عَنِ الْفَعْلِ در اجلوژ همزه و واو مشدّد در ندرج تاء
در آخر نیم همزه و نون در اقشعر همزه و تَكَرَّرَ لَمْ الْفَعْلِ
درس هشتم - فعل لازم و متعد

فعل برد و ضم است - لازم و متعدی

(۱) لازم است که فعل بفاعل نهان باشد (۱) **خَرَجَ** بِمَنْ يَخْرُجُ
تمرین کلمات بلز امعین کنید هر کدام آنچه نیست و چه
زائد در هر یک چیست: **خَرَجَ - قَدَّمَ - انْطَلَقَ - اَجَزَ - اسْوَدَّ -**
اعْرَوْرَقَ - اشْعَلَ - طَرَحَ - اقْبَسَ - ضَارَبَ - تَقَدَّمَ -
اعْلَوْظَ - تَحَاسَبَ - اسْتَعْمَلَ - اِسْمُهُ ابْتِغَاءُ مَمْرٍ مَرَّ

(۲) متعدی است که فعل بعلاوه فاعل مفعول به خواسته
باشد - **اَخْرَجَ** الْخَادِمَ الْيَلَصَّ - بیرون کرد خادم دزد را
(۳) فعل لازم را متعدی سازند بیک از سه چیز
باب افعال - اگر ماکامیر القاضی - باب تفعیل
الْمَالِ بِوَاسِطَةِ حَرْفِ جَرٍّ ذَهَبَ عَلَيَّ بِالْإِبْلِيدِ
درس نهم - معلوم و مجهول

۱- فعل متعدی برد و نوع است، معلوم و مجهول

۲- فعل معلوم است که بمفعول به نسبت داده شود **نَصَرَ** جَدَّ

۳- فعل مجهول است که بمفعول به نسبت داده شود **نِمِ** الْمَسْكَنَةُ فَمِنْهُ

۴- معلوم ماضی و مضارع هر یک از ابواب دانسته شد

(۱) فاعل است که فعل از او صادر شود و شناخته میشود باینکه

در جواب که و چه واقع شود مفعول به است که فاعل را از اشخاص

و شناخته میشود باینکه در جواب که و چه واقع شود مفعول به است که فاعل را از اشخاص

فعل بر چند قسم است: لازم کدام است مثل چه؟ متعدی کدام

مانند چه؟ لازم را بچه متعدی کنند

۵- صیغه مجهول ماضی فاعله معلوم است مگر آنکه حرف پیش
از آن مکسور و حرف متحرک قبل از آن مضموم و ثورا استخرج
المعدن و مجهول مضارع است که مضارعه مضموم و مثلاً
آخر مفتوح گردد - بُغِضَ الْحَاشِنُ

درس دهم - مصدر

۱- مصدر اسمی است که دلالت کند بر واقع شدن کار
و مقتدر بر مان نباشد

(۱) هرگاه در اول ماضی ثاء زائده باشد در مجهول ثاء و فاء
الفعل ضمه داد شود نصرف - اگر در اول ماضی همزه
وصل مکسوره باشد در مجهول ماضی همزه و حرف سیم
مضموم شود استخرج هرگاه بعد از حرف مضموم الفی باشد
قلب یواو شود حوسب است و بلسوا لا تا غیر از
تثنییم پیش فعل بر چند نوع است؛ معلوم کدام است مجهول
کدام است؛ صیغه مجهول ماضی از چه گرفته میشود؛ ترتیب

مجهول ماضی باینان نماید مضارع مجهول از چه گرفته میشود
۲- مصدر شناخته میشود باینکه در آخر معنی فارسی آن دال و نون
باشد و نون باشد چون علم دانستن شد - هدایت کردن - او را
مضارع ثلاثی مجرد بسیار است که مشهور آنها از اینقرار است

اوزان مضارع ثلاثی مجرد

- ۱- قتل کشتن ۹- بشری - بشارت دادن
- ۲- فسق نافرمانی کردن ۱۰- بیان مسامحه کردن
- ۳- شغل بکار برداختن ۱۱- حرمان نومید شدن
- ۴- جمع مهریابی کردن ۱۲- غفران آمرزیدن
- ۵- فشه کشیده زایل کردن ۱۳- تروان برجستن
- ۶- کدنه بهره شدن ۱۴- طلب طلبیدن
- ۷- دعوی بیان نسب کردن ۱۵- اخذ گرفتن
- ۸- ذکر کردن یاد کردن ۱۶- صغر کوچک بودن
- ۱۷- هدی راهنمایی کردن ۱۸- غلبه چیره شدن

- ۱۹- سرفته دزدی کردن ۲۷- قبول پذیرفتن
 ۲۰- ذهاب رفتن ۲۸- وجیف دویدن شوی
 ۲۱- صراف خواهش داشتن ۲۹- صهوبه سرخ شدن
 ۳۰- سؤال پرسیدن ۳۱- کراهیه ناپسند داشتن
 ۳۲- زهاده بمیل شدن ۳۳- مدخل در آمدن
 ۳۴- درایه دانستن ۳۵- مرجع برگشتن
 ۳۶- بغایه طلبیدن ۳۷- مسعاه مشتاپیدن
 ۳۸- دخول در آمدن ۳۹- محمده پست پید شدن

اوزان مضارع غیر ثلاثی مجرد در ضمن بابها ذکر شد

درس نازدهم - مشتق نامضارع

۱- از مصدر هشت فعل و هشت اسم خارج میشود باین ترتیب:

استخوان [از] تعریف مصدر را بیان نمایند؛ مصدر بچه

شناخت میشود؛ اوزان مضارع ثلاثی مجرد را بشمارید؛

اوزان مضارع ثلاثی مجرد در کجا گفته شد و کدامند

فعل

- ۱- فعل ماضی گذشته ۱- اسم فاعل
 ۲- فعل مضارع شاکه تارنده ۲- اسم مفعول
 ۳- فعل امر فرمودن ۳- صفت مشبّهه
 ۴- فعل نهی باز داشتن ۴- ضمیمها مبالغه
 ۵- فعل مجید انکار کردن ۵- اسم تفضیل
 ۶- فعل نفی نپشت کردن ۶- اسم الف
 ۷- فعل اسمیها طلب فهم کردن ۷- اسم زمان
 ۸- فعل تعجب ۸- اسم مکان

بیان هر یک در این کتاب مرتباً خواهد آمد

استخوان [از] مصدر چه مشتق میشود؟ هشت فعل مشتق

از مصدر را بشمارید؛ هشت اسم را نیز بشمارید

تمرین کلمات: بل نامعین نمایند که هر کدام چه صیغه

و از چه باب است؟ ذنب - تعدد - عمد - صواب - اثم - قتل

انقباض - اکسباب - استکشاف - قرأت - فدا مت

درس واکه فعل ماضی

ماضی فعلیست که دلالت بر گذشته دارد و در زمان گذشته فعل ماضی را چهارده صیغه است بدین ترتیب
 سه صیغه غایب مکرر مرد غایب سه صیغه مؤنث زن
 طَلَبَ مفرد طَلَبَدَ طَلَبَتْ مفرد طَلَبَدَتْ
 طَلَبُوا تنه طَلَبَدُوا طَلَبَتْهُنَّ تنه طَلَبَدْنَهُنَّ
 صیغه مذکر حاضر مرد حاضر سه صیغه مؤنث زن حاضر
 طَلَبْتُ مفرد طَلَبَدْتُ طَلَبْتِ مفرد طَلَبَدْتِ
 طَلَبْتُمَا تنه طَلَبَدْتُمَا طَلَبْتُنَّ تنه طَلَبَدْنُنَّ
 طَلَبْتُمْ جمع طَلَبَدْتُمْ طَلَبْتُنَّ جمع طَلَبَدْنُنَّ
 یک صیغه متکلم وحده یک نفر سخنگوی یک صیغه متکلم مع الغیر
 طَلَبْتُ طَلَبَدْتُ طَلَبْتُمَا طَلَبَدْتُمَا

درس سبزه - مجهول فاعله

فعل مجهول فاعله این چهارده صیغه است

غایب مذکر غایب مؤنث

طَلِبَ م طَلَبْتُ م طَلِبَتْ م طَلِبَدَ شد
 طَلَبُوا ن طَلَبْتُمَا ن طَلَبْتُنَّ ن طَلِبَدُوا شد
 طَلَبُوا ج طَلِبْتُمْ ج طَلِبْتُنَّ ج
 مذکر حاضر مؤنث حاضر

طَلَبْتُ م طَلَبْتِ م طَلَبْتُمَا ن طَلَبْتُنَّ ن
 طَلَبْتُمْ ج طَلَبْتُنَّ ج
 متکلم مع الغیر

متکلم مع الغیر
طَلَبْتُ طَلِبَدْتُ طَلِبَدْتُمَا طَلِبَدْتُنَّ

اسئالات ماضی چه طور فعلی است؟ فعل ماضی را چند صیغه است؟ چند صیغه برای غایب مذکر است؟ چند صیغه برای غایب مؤنث است؟ چند صیغه برای مذکر حاضر است؟ چند صیغه برای مؤنث حاضر است؟ چند صیغه برای متکلم وحده است؟

دَرْسِ جَهَادِهِم - فَعْلُ فَضِياع
فعل مضارع فعلیست که دلالت بر کنسیر حذو کاری در

مترین

تمام افعال ماضی ثلاثی مجرد وثلاثی مزیدیه رباعی
مجرد و رباعی مزیدیه را مثل طلب معلوم و مجهول نموده
صرف نمایند و در دفتر علیحدّه نوشته را آنکه دهید اگر
را صرف نمایند اگر م را مجهول نموده - انْطَلَقْتُ چه صیغه
استخرج نما چند تا داریم - مجهول استخرج را صرف نمایند
اِنْطَلَعْتُ چه صیغه است - اعلو ط چه صیغه و از چه باب است
انْفَرَضْتُ چه صیغه است - عَلِمْتُ چند تا داریم
چند صیغه برای متکلم مع لغير است؟ فعل ماضی معلوم
از طَلَبْتُ صرف نمایند؟ فعل ماضی مجهول چند صیغه
فعل مجهول ماضی را نیز صرف نمایند؟ طَلَبْتُ یعنی چه
طَلَبْتُ طَلَبْتُ چند تا داریم؟

حال یا آینده و فعل مضارع گرفته میشود از ماضی ثانی
که در یکی از عربی (ان ی ن) در اولش و این حرف همیشه
مضوح است مگر در چها باب یا با افعال - و تفعلیل
و مفاعله - و فعلا - که در این بابها این حرف مضموم
شود. و صورت نصیر فی مضارع معلوم یا بن قسم
مضارع از طَلَبْتُ طَلَبْتُ غایب مؤنث

طَلَبْتُ م طلب میکند	طَلَبْتُ م طلب میکند
طَلَبْتِ ن طلبان ن طلب میکند	طَلَبْتِ ن طلبان ن طلب میکند
طَلَبُوا ج طلبون ج	طَلَبُوا ج طلبون ج
مذکر حاضر	مذکر حاضر
طَلَبْتُ م طلب میکند	طَلَبْتُ م طلب میکند
طَلَبْتِ ن طلبان ن طلب میکند	طَلَبْتِ ن طلبان ن طلب میکند
طَلَبُوا ج طلبون ج	طَلَبُوا ج طلبون ج

متکلم وحده متکلم مع الغير

اَطْلُبُ طلب كنم من نَطْلُبُ طلب ميكنيم ما

در من دانند هر مجهول مضارع

فعل مجهول مضارع را نیز چهارده صیغه است

غایب مذکر غایبه مؤنث

يَطْلُبُ م طلب كرده ميشود نَطْلُبُ م طلب كرده ميشود

يَطْلُبَانِ ت نَطْلُبَانِ ت طلب كرده ميشود

يَطْلُبُونَ ج يَطْلُبْنَ ج =

مذكر حاضر مؤنث حاضر

نَطْلُبُ م طلب كرده ميشود نَطْلِبْنَ م طلب كرده ميشود

نَطْلُبَانِ ت نَطْلِبَانِ ت طلب كرده ميشود

نَطْلِبُونَ ج نَطْلِبْنَ ج =

متكلم وحده متكلم مع الغير

اَطْلُبُ طلب كرده ميشود نَطْلُبُ طلب كرده ميشود

سؤالات مضارع چطور فعله است؟ فعل مضارع

را چند صیغه است؟ چند صیغه برای غایب مذکر است چند

صیغه برای غایبه مؤنث است؟ چند صیغه برای مذکر حاضر است

چند صیغه برای مؤنث حاضر است چند صیغه برای متکلم و محلا

چند صیغه برای متکلم مع الغير؟ فعل مضارع معلوم را از طلب می دانند

نماید؟ فعل مضارع مجهول را چند صیغه فعل مجهول مضارع را

صورت نماید - اَطْلُبُ یعنی چه؟ اَطْلِبُ یعنی چه؟ نَطْلُبَانِ چند نفر است

(۱) همزه برای متکلم وحده و یون برای متکلم مع الغير است

یا برای سه صیغه غایب مذکر و جمع غایبه مؤنث است ثلاثه

مفرد و تشبیه غایبه مؤنث و شش صیغه مخاطب و مخاطبه

مؤنث است مضارع تمام ابواب ثلاثه مجرور و مزید صیغه

و رباعی مجرور و مزید صیغه در معلوم و مجهول مثل یطلبون

تمرین

صیغ ذیل را معین نماید بکتاب - اکتب - تکتبون کتاب بخوان

در بیان شانزدهم - متعلقان مضارع

۱- در صیغه مفرد مذکر غایب مفرد مؤنث غایبه مفرد مذکر حاضر و متکلم وحده و متکلم مع الغیر آخر فعل مضارع معلوم و مجهول مضمو شود چون **نَضْرُ نَضْرُ نَضْرُ نَضْرُ**
 ۲- در تثنیه ها الف و نون و در جمع ها مذکر و نون و در مفرد و مؤنث حاضر یا و نون و در جمع ها مؤنث نون مفتوحه در آخر زیاده ^{نصیران} **نَضْرُ نَضْرُ نَضْرُ نَضْرُ**
 (۳) هرگاه در اول ماضی همزه زایده باشد در مضارع ^{شود}

سؤالات در چند صیغه را از معلوم و مجهول مضارع

ضمیمه داده میشود و در چند صیغه الف نون زیاده شود و در کلام صیغه ها نون مفتوح زیاده شود هرگاه در الف ماضی همزه

باشد در مضارع چه پیشتر متبرین

مضارع معلوم و مجهول افعال ذیل را معین نموده در دفتر نوشته از آندهید نصر حسب کرم انطلق اشهاب اجلود

در بیان هفدهم - فعل امر

الشی که دلالت کند بر طلب کاری در زمان حال و منقسم میشود بسه قسم امر غایب امر حاضر امر متکلم
 ۱- امر غایب بان حاصل شود که لام مکسوره (ی) در اول شش صیغه غایب غایبه فعل مضارع داخل شود و در مفرد ها حرکت آخر و در تثنیه ها جمعهای مذکر نون جمع ساقط کرد و نون جمع مؤنث بحال خود باقی
 ۲- **لِنَضْرُ لِنَضْرُ لِنَضْرُ لِنَضْرُ لِنَضْرُ لِنَضْرُ**
 ۳- امر متکلم را مانند امر غایب لام مکسوره در اول زیاده و حرکت آخر ساقط کرد **لِنَضْرُ لِنَضْرُ**
 ۴- مجهول امر غایب امر حاضر و امر متکلم بعینه مثل مجهول مضارع است مگر آنکه در اول شش لام مکسوره زیاده نمود و آخر شش بر تریب مذکور مجزومه کرد **لِنَضْرُ نَأْمُرُ نَأْمُرُ**
 میشود

درس ہجدهم - ذکر امراضی

۱۔ فعل امر حاضر را از مضارع مخاطب می گیرند با پسوند قلیب

(نا) مضارع نداء اذا و لشر مياندا از ندا ك حرف بعد

از حروف مضارع حرکت داشته باشد همان حرف مشرک

زاوّل کلمه قرار داده و احشرا (مانند اعراب) وقف

نماید - صَرَفَ صَرَفًا صَرَّوْا صَرًّا فِي صَرَفٍ صَرَفٍ

۲- اگر حرف بعد از حرف مضارع ساکن نباشد چون

در کلام عرب ابتداء بسیار که از نفس لذات بعد از حد ف

عرف مضارعته وصاله ودر اول زادش

آخرش اوقف نماید مگر آنکه در الفعا مضاعف مضموم

شده که در انوقت هم در صامعه من یاد نماز

سؤال اولاد حكمه و فعا ادا عا و من انا

۱۴۱۴

مردم سبب، امر عایبه بجز حاصل نیست و در جنبه ها از

امریکلمہ را از چہ میگیرند ۴۶- امر حاضر از نظر حاضر

اَعْرَبْنَا اِضْرِبُوا اِضْرِبْ بِيْ اِضْرِبْ بَا اِضْرِبْ بِنَ

ع۔ امر حاضر از تعلم اعلم اعلموا اعلمی

اعْلَى الْعَالَمِينَ

ام حاضر از نصر
انصر انصر انصر

انصری نصر انصر

مسئله اول

اگر حاضر را از حد مسکن ندانند اگر نه بعد از مضاعف

ما شد چه میکند و مَن فدا صفت نماید؟ اگر ما بعد حرف

خداوند پاک را شکر می کنند؟ ادخا ضه: ان شاء الله

شکرت الاله فناء و عار حانه از نض و حه و شستو این

پیشوئی اعظم راضی نمایند که مرا شرفیابی فرمایند

را صرف نمایند
مهرین

مرخاض از افعال دپیل راضی و نماید سبب خروج

فَضْرِبْ تَطْلِقْ لَسْتِخْرِجْ حَبِيبَ نَعُوشِيبَ نَاظِ

در سر نور که نواصب مضارع

۱- هرگاه در اول فعل مضارع یک از چهار نواصب
 آن - لن - کی - اذن داخل شود فعل مضارع منصوب
 گردد و بدین طریق ، آن یکب آنکه بنویسد لن یکب
 هرگز بنویسد کی یکب تا اینکه بنویسد اذن یکب ^{بنویسد} و هنگام
 آن یکب لن یکب کی یکب اذن یکب
 آن یکب لن یکب کی یکب اذن یکب
 آن یکب لن یکب کی یکب اذن یکب
 آن یکب لن یکب کی یکب اذن یکب
 آن یکب لن یکب کی یکب اذن یکب
 آن یکب لن یکب کی یکب اذن یکب
 آن یکب لن یکب کی یکب اذن یکب
 آن یکب لن یکب کی یکب اذن یکب
 آن یکب لن یکب کی یکب اذن یکب

آن یکب لن یکب کی یکب اذن یکب
 آن یکب لن یکب کی یکب اذن یکب
 آن یکب لن یکب کی یکب اذن یکب
 آن یکب لن یکب کی یکب اذن یکب

۵- نواصب مضارع بر مجهول مضارع داخل شده
 معلوم صرف شود آن یکب آن یکب آن یکب
 لن یکب لن یکب اذن یکب اذن یکب اذن یکب
 کی یکب کی یکب کی یکب اذن یکب اذن یکب

است و الا نواصب مضارع چند تا است نواصب

بشمارید هر یک از نواصب ابر اول یکب داخل نموده
 صرف نماید نواصب این قبیل بر مجهول یکب داخل نموده

(معلق بصفحه قبل) (۱) نواصب آخر مضارع معلوم و مجهول را

در پنج صیغه یکب یکب یکب اذن یکب اذن یکب
 در تنبیه ها و جمع های مذکر و مفرد فاعله مؤنث فاعله
 علامت نفع بواسطه ناصب بیفتند و نون جمع مؤنث جازیه را

درس بیستم - جواز امر مضارع

هرگاه که شما - لاء ناهیه ادوان شرط بر اول مضارع

معلوم و مجهول داخل شود فعل مضارع مجزئ شود

هرگاه که و بنا بر اول مضارع داخل شود نامیده شود

بفعل مجزئ و اگر لاء ناهیه داخل شود موسوم گردد

بفعل لهی و ... کلام امر بر شش صیغه غایب غایب

داخل شود و نامیده شود امر غایب و برد و صیغه متکلم

داخل شود و نامیده میشود امر متکلم چنانچه در رس گفته شد

(۱) در مفرد ها حرکت خرو و در ثنیه ها و جمع ها مذکر و مؤنث

مخاطبه نون علامت فتح بواسطه جازم ساقط گردد و نون

جمع مؤنث بحال خود باقی ماند مستقلات

جواز مضارع چندتا است: جواز فرقی نماید هرگاه که بنا

بنا بر اول فعل مضارع داخل شود چه اسم نامیده میشود

و اگر لاء ناهیه داخل شود چه نام خواهد داشت؟ امر غایب

کدام است؟ فرق بین لام و نون نسبت باخر مضارع چیست

درس بیست و یکم - صیغه ها مضارع مجزئ

فعل مجزئ فعل لهی

لم یکتب نوشته است اما یکتب هنوز ننوشتن است لایکتب

لم یکتبا لم یکتبوا لم تکتب

لم تکتبا لم تکتبوا لم تکتبن

لم تکتبن لم تکتبوا لم تکتبن

لم تکتبن لم تکتبوا لم تکتبن

لم تکتبن لم تکتبوا لم تکتبن

لم تکتبن لم تکتبوا لم تکتبن

لم تکتبن لم تکتبوا لم تکتبن

لم تکتبن لم تکتبوا لم تکتبن

لم تکتبن لم تکتبوا لم تکتبن

لم تکتبن لم تکتبوا لم تکتبن

لم تکتبن لم تکتبوا لم تکتبن

لم تکتبن لم تکتبوا لم تکتبن

لَمْ تَكْتُبْ لَمْ تَكْتُبْ لَا تَكْتُبْ

درس بیست و نهم - فعل نفی

هرگاه ما و له نافی بر فعل ماضی و مضارع معلوم و مجهول

داخل نمایند تغییر در لفظ نمیدادند و او را فعل نفی گویند

(مثال) ماضی نفی مضارع نفی

لَا كُتِبَ تَوَشَّطَ مَا كُتِبَ لَا يَكْتُبُ يَنْوَسِدُ مَا كُتِبَ

لَا كُنَا مَا كُنَا لَا يَكُنَانِ مَا يَكُنَانِ

لَا كُنُوا مَا كُنُوا لَا يَكُونُونَ مَا يَكُونُونَ

لَا كُتِبَتْ مَا كُتِبَتْ لَا تَكْتُبُ مَا تَكْتُبُ

لَا كُتِبْنَا مَا كُتِبْنَا لَا تَكْتُبَانِ مَا تَكْتُبَانِ

لَا كُتِبْتُمْ مَا كُتِبْتُمْ لَا يَكْتُبِينَ مَا يَكْتُبِينَ

لَا كُتِبَتْ مَا كُتِبَتْ لَا تَكْتُبُ مَا تَكْتُبُ

سُئِلَ لَأَن فَعَلَ جَدًّا اَزْكَبَ يَكْتُبُ صَرَخَ نَمَائِدُ

فَعَلَ هُوَ يَتَرَضَّرُ نَمَائِدُ؟ - لَمْ أَنْصُرْ جَدَّ صَبِيغَةَ

لَا كُتِبْنَا مَا كُتِبْنَا لَا تَكْتُبَانِ مَا تَكْتُبَانِ

لَا كُتِبْتُمْ مَا كُتِبْتُمْ لَا تَكْتُبُونَ مَا تَكْتُبُونَ

لَا كُتِبَتْ مَا كُتِبَتْ لَا تَكْتُبِينَ مَا تَكْتُبِينَ

لَا كُتِبْنَا مَا كُتِبْنَا لَا تَكْتُبَانِ مَا تَكْتُبَانِ

لَا كُتِبْتُمْ مَا كُتِبْتُمْ لَا تَكْتُبِينَ مَا تَكْتُبِينَ

لَا كُتِبَتْ مَا كُتِبَتْ لَا كُتِبَ مَا كُتِبَ

لَا كُتِبْنَا مَا كُتِبْنَا لَا تَكْتُبُ مَا تَكْتُبُ

درس ۲۳ - فعل استفهام

(اوپهل) استفهام در اوّل فعل ماضی معلوم

و مجهول و مضارع معلوم و مجهول در میان و در

لفظ تغییر بفعل داده نمیشود و لکن اسمش فعل

مثال فعل استفهام ماضی فعل استفهام مضارع

اَكُنَّ اَكُنَّ هَلْ كُنَّ اَكُنَّ هَلْ كُنَّ

اَكُنَا هَلْ كُنَا اَكُنَانِ هَلْ كُنَانِ

اسم فاعل از ثلاثی مجرد بر وزن فاعل آید چون طَائِلٌ
 طَائِلَانِ طَائِلُونَ طَائِلَةٌ طَائِلَتَانِ طَائِلَاتٌ اسْمُ
 فاعل از بابهای ثلاثی مزید فیه و رباعی مجرد و رباعی
 مزید فیه چون مضارع معلوم همان باب است چنانکه
 حرف مضارع را حذف نموده جای آن مهم مضموم
 گذارند. و در سه باب که مقابل آخر فعل مضارع
 مفتوح است مکسور کنند و در بابی بابها تغییر داده
 نشود مگر آنکه نویین که از خصایص اسماء است آخرش با
 کند (مثال) **اسْمُ فاعِلٍ از تَصْرِیفِ**

مُصَرِّفٌ مُصَرِّفَاتٌ مُصَرِّفُونَ
 مُصَرِّفَةٌ مُصَرِّفَتَانِ مُصَرِّفَاتٌ

و بهمین ترتیب اسامی باقی بابها

سُئِلَ الْأَثَرُ

فعل تعجب چند صیغه دارد؛ و صیغه فعل تعجب را بنویسید

دَرْس (۲۶) — اسْمُ مَفْعُولٍ

اسم مفعول دلالت میکند بر چیزی که فعل بر او واقع شده
 اسم مفعول از ثلاثی مجرد بر وزن مفعول آمده مثل مَطْلُوبٌ
 مَطْلُوبَانِ مَطْلُوبُونَ مَطْلُوبَةٌ مَطْلُوبَتَانِ مَطْلُوبَاتٌ
 اسم مفعول از بابهای ثلاثی مزید فیه و رباعی مجرد و رباعی مزید فیه
 تعجب را از غیر ثلاثی مجرد بنویسند؛ و از حسن و حسن دو صیغه

ذِکْرُکِنْدِ سُئِلَ الْأَثَرُ

اسم فاعل دلالت بر چه میکند؟ اسم فاعل از ثلاثی مجرد بر
 وزن چه میآید؟ اسم مفعول از نَصْرٍ نَصْرٌ چه میشود
 اسم فاعل از نَصْرٍ نَصْرٌ را صرف نمائید؟

مَرِّینِ

مَرِّیْنِ چه صیغه است؟ مُصَرِّفٌ چه صیغه است؟
 مَدْحُوجٌ را صرف نمائید؟ مَدْحُوجٌ چه صیغه است؟
 مَجْلُودٌ چه صیغه است؟ مَجْلُودٌ را صرف نمائید؟

فعل مجهول مضارع همان بابست که حرف مضارع تبدیل
بهیم مضموم کرد و شوی که علامت اسم است را خیش آورد

اسم مفعول از تصرف

مُصَرَّفٌ مُصَرِّفَانِ مُصَرِّفُونَ
مُصَرَّفَةٌ مُصَرِّفَتَانِ مُصَرِّفَاتٌ

بهمین طریق است سایر ابواب

درس (۲۷) صفت مشبّهه

صفت مشبّهه آورده میشود از فعل لازم و اوژان
شایع این است :

حَسَنٌ (نیک) خَيْرٌ (درشت) صَعِبٌ (غیر ذام)
قَدُوسٌ (پاک) حُرٌّ (آزاد) صِفْرٌ (خالی)
عَبُودٌ (رشدن) هَيْبٌ (برده) شَرِيفٌ (زاد کو ار)

استعلام اسم مفعول دلالت بر چه میکند؟ اسم مفعول
زلاتی مجرد بر وزن چه آید و منصوب چه صیغه است؟ از اگر بگویم
اسم مفعول چه میشود

و در فعلها باشد که دلالت بر رنگ و عیب و جلسه یعنی آثار
ظاهره در بدن کند صفت مشبّهه در مذکر بر وزن
افْعَلٌ در مؤنث بر وزن فَعْلَاءٌ چون اَحْمَرُ آراءِ سرخ
اعْوَدُ عَوْرَاءِ یحشم اَبْلَجُ بلجاء پیرسته ابرو
دَرس (۲۸) صیغهای مبالغه و تفضیل

۱- صیغهای مبالغه دلالت میکند بر زیادی و بسیار
در معنی اسم فاعل و بعضی از اوزان این است خَرَابٌ
(بسیار زنده) طَلُوبٌ (بسیار طلب کننده) عَلامَةٌ (داننده)
فَرُوقَةٌ (فرغ کننده) مَفْضَالٌ (بسیار فضل دارنده) مُطَبَّقٌ (مطابق)

سئوالات

صفت مشبّهه از چه طو فعل آورده میشود؟ اوژان شایع
مشبّهه ایشان آید؟ هر فعلی که دلالت بر رنگ و عیب و جلسه
بکند صفت مشبّهه اش بر وزن چه میآید؟ رفیع چه صیغه
ستید؟ چه صیغه است؟ از وضع صفت مشبّهه بر وزن
فعلی بنا کنید؟

مُقَطَّعٌ (برنده) حَزَنٌ (ترسند) هَمَزَةٌ عَيْبٌ کنند

۲ اسم تفضیل دلالت میکند بر زیادتی و علامتش
نواست که در آخر معنی فارسی زیاد کند

۳ اسم تفضیل از ثلاثی مجرد بروزن أَفْعَلٌ میاید
چون أَكْبَرُ (بزرگتر) أَكْبَرَانِ أَكْبَرُونَ كِبَرِي

كِبَرِيَّانِ كِبَرِيَّات

دَسِرٌ ۲۹ - اِسْمُ زَمَانٍ وَمَكَانٍ

سُئِلَ لَات

فروق میان اسم فاعل و صیغه مبانی بحسب معنی
چلیست؟ صدق چه صیغه است؟ لمزه چطور؟ گأ
چه صیغه است؟ اسم تفضیل دلالت بر چه میکند؟ اَعْلَمُ
چه صیغه است؟ تَضَلُّی چه صیغه است؟ حَمَزَاءُ چه صیغه است؟
فروق میان فعل صفت مشبّهه بالفعل اسم تفضیل در
مؤنث چلیست؟ اسم زمان است که زمان وقوع

فعل را برسانند. واسم مکان است که جای
کار را برسانند.

و طریقه بنای اسم مکان و زمان از ثلاثی مجرد
است که آورده شود بر وزن مَفْعَلٌ بفتح عین
مکرو قبیله مضارعش بر وزن یَفْعَلُ بکسر
عین باشد که در انوفت بر وزن مَفْعِلٌ بکسر
عین اید

هرگاه فاء الفعل را و باشد نیز بر وزن مَفْعِلٌ
و هرگاه لام الفعل حرف عله باشد بر وزن مَفْعَلٌ
اید اسم مکان و زمان از غیر ثلاثی مجرد بر وزن
اسم مفعول ان باب باشد

مثال:

مضارع یَقْتُلُ یَذْبَحُ
اسم مکان و اسم زمان مَقْتَلٌ مَذْبَحٌ

مضارع اسم مکان و زمان

يَجْلِسُ مجلس

يَضَعُ موضع

يَرْجِي مَرْجِي

يُكْرِمُ مَكْرَم

گاهی مشتبه شود اسم مکان و زمان بمصدر

میمی در لفظ و بواسطه قرینه معنی معین شود

[سؤالات] اسم زمان کدامست؟ اسم مکان چیست؟ اسم فاعل

و مکان از ثلاثی مجرد بر وزن چه میآید؟ هرگاه مضارع بر وزن فاعل باشد

اسم زمان و مکان بر وزن چه میآید اگر فاعل فعل و باشد بر وزن

چه میآید اگر فاعل و فعل و باشد بر وزن چه میآید؟

[تمرین] اسم مکان از بیضی چه میشود؟ اسم زمان از بیضی

میشود؟ اسم زمان از بیضی چه میشود؟ ماوی چه صیغه است؟

موج چه صیغه است؟ ملجوع چه صیغه است؟ مستخرج چه طود؟

دَرْسِ سَمِ اَمْر

اسم الف

اسم الف از ثلاثی مجرد سه زن دارد

مِفْعَلٌ مَحِيطُ الْبَدْوِ خَن (سوزن)

مِفْعَالٌ مِفْتَاحُ الْكُشُودَنِ (کلید)

مِفْعَلَةٌ مِكَسَّةُ الْبَاكِ كَرْدَنِ (جاروب)

اسم الف مشتق از ثلاثی مجرد متعدی آورده شود

و گاه باشد اسم الف مشتق نباشد مثل قَدْوَم

که بمعنای تیشه و فاس که بمعنای تبر است

سؤالات

اسم الف چند وزن دارد؟ اوزان اسم الف را بشمارید

اسم الف از چه فعل آورده میشود؟ اسم الف غیر مشتق فاعل چه

[تمرین] میزان چه صیغه است؟ اسم الف از برده گاه

بر وزن مفعول آورده شود چه میشود؟ مقروض چه صیغه

فعل فاضلش چیست؟ مکنسه چه صیغه است؟

دَرْسِ سِی وِیکُم

تقسیم فعل بسالم و صحیح و معتل

فعل بر سه قسم است سالم صحیح معتل
سالم آنست که در حروف و فاصولش حرف عله و همزه
و تضعیف نباشد مانند ضَرَبَ و قَتَلَ
صحیح آنست که در حروف و فاصولش حرف علت نباشد
مانند ضَرَبَ أَحَدٌ مَدَّ

معتل آنست که در حروف و فاصولش حرف علت باشد
مثل وَعَدَ قَالَ رَنَى وَتَى طَوَى
که اول را مثال و دوم را اجوف سوم را ناقص
چهارم را لایف مفروق پنجم را لایف مقرون گویند

سُؤَالَات

فعل بر چند قسم است؟ سالم کدامست مثل چه
صحیح کدامست

دَرْسِ سِی وِیکُم

۱- صفت کلمه ایست که پیروی میکند ناقبل
خود را در اعراب و بیان نماید کیفیت کلمه
پیش را مانند عد و عاقل چَرُکُنْ صَدِيقِ جَاهِلِ
۲- صفت اغلب پیروی میکند کلمه پیش را در چنانچه
چیز از جمله ده چیز

۳- اعراب فاعل نصب جی چون عَدُوٌّ عَاقِلٌ عَدُوٌّ
عَاقِلٌ عَدُوٌّ عَاقِلٌ

مثل چه؟ معتل کدامست مانند چه؟ و عله چه نوع است
قال چه نوع است؟ رعی چه نوع است؟ و توی چه
نوع است؟ طوی چه نوع است؟

(۱) اَخَذَ - و مَدَّ - از اقسام صحیح شمرده میشوند
ضَرَبَ را صحیح و سالم گویند اخذ را هموز و مَدَّ را
مضاعف نامند

۴- مذکر بودن و مؤنث بودن رَجُلٌ عَاقِلٌ امْرَأَةٌ
عَاقِلَةٌ افراد تثنیه جمع غایمٌ عَامِلٌ عَالِمَانِ
عَاقِلَانِ عَالِمُونَ عَامِلُونَ
معرفه و نکره بودن ثَلَاثٌ عَاقِلٌ الثَّلَاثَةُ الْعَالِمَةُ

در رسم سی و سیّم

تقسیم اسم بمفرد و تثنیه و جمع
۱- اسم بر سه قسم است مفرد تثنیه جمع
مفرد انستکه دلالت بر یکی کند مثل علی فاطمه

سوالات

صفت چیست مثل چه صفت در چند چیز مقابل خود را
مقابل میکند؟ اعراب چیست؟ صفت که مقابل
خود را در اعراب متابعت کند مثل چه در مذکر بودن
و مؤنث بودن متابعت کند مثل چه در افراد و تثنیه
و جمع مثل چه در معرفه و نکره مانند چه

تثنیه انستکه دلالت کند بر دو برابر مفرد
مانند علیّان یعنی دو علی
۲- جمع بر سه قسم است جمع مذکر سالّم علیّون
جمع مؤنث سالّم - فاطمات جمع مکسر رجال

سوالات

اسم بر چند قسم است بشمار بید؟ مفرد کدام است
مثل چه؟ تثنیه کدام است مثل چه؟ جمع کدام است مثل
چه؟ جمع بر چند قسم است چه است؟

تمرین عمومی

در عبارات ذیل اقسام اسم و فعل و حرف
و انواع افعال را بمفرد و تثنیه و جمع و صفت
و موصوف را بترتیب ذیل معین نمائید
قَالَ النَّبِيُّ مَا مِنْ صَلَوةٍ يَخْضُرُ وَفَتْهَا قَالَ فَعَلَ
مَاضِي اِجْزَالِ حَرْفِ نَبِيٍّ صِفَتِ مَشَبَّهٍ بِرُوزَنَ

شریف صلوة اسم مفرد بحضری فعل مضارع
مفرد غایب مذکر صحیح و سألما از باب اء
و فتا اسم مفرد هاء اسم مفرد
ثمنه حدیث راجعین مرقب تجزیه نمائید
اَلَا نَادِیَ مَلِكٍ بَيْنَ بَدِیَ الثَّانِیَ فَوُومُوا
بِزَانِیَ کُمْ اَللّٰی اَوْقَدُ نُوْهَا عَلٰی ظُهُورِکُمْ
فَاُخْفُوْهَا بِصَلُوْتِکُمْ

گفتار اول
و در حق تعالی

کُنْتُ اَشْرَقًا لِّکَابِلِ اللّٰهِ اَلْمَوْسَوٰی الْخَوَلَدِ

سوره زمره
در حق تعالی
زیر کلام

فَبَشِّرْهُمَا ذٰلِی الْاَوَّلٰی

۱۳۵۴

الْحَمْدُ لِلّٰهِ

حاشا لکلیما یوم العید و قسره
و قسرت یصیح القول و اعتذر
و حید مقام الحضر بنی بکتاب
و در حق تعالی صیف بنی بکتاب
ارسال مذکر

کتابخانه مظفری

که سی و نه سال خدمت خود را صرف
ترقی و تعالی معارف ایران نموده و همه
ساله مطابق پروگرام رسمی وزارت جلیله
معارف کتب کلاسیک را بقیمت ارزان تهیه
می بیند اینک نیز خاطر مشتریان محترم خود
را بقروش همه قسم کتب معطوف داشته
امیدوار است آقایان محترم نرمایشات خود را
باین مؤسسه رجوع فرمایند تا سرعت انجام
و خوبی و ارزانی کتب ما را تصدیق نمایند
غلامحسین مظفری

طبایحی جدید

تألیف خانم فاضله (حاجب) منتشر شده
از کتاب برای عموم خائواده ها لازم است